

# ایران ورزشی

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی  
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران  
● رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری  
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان  
● سرمدیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین  
● سرمدیر ایران ورزشی: علی جوادی  
● تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۶۱۳۳۰ • نمابر: ۸۴۷۱۱۷۳۳  
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم  
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۶۱۳۰۰  
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۶۱۹۵۴  
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
● صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

پنجمین ناکامی متوالی در بازی‌های آسیایی و ساختاری که تغییر نمی‌کند

## تیم امید دوباره از صفر!



### گزارش ویژه

محمد رضا رحیم‌پور  
خبرنگار

از ترکیب ایران با خوشبینی یاد می‌شد و نام‌هایی مانند محمد خلیفه، کسری طاهری، امیرحسین حسین‌زاده، اسماعیل قلی‌زاده و امیرمحمد رزاقی‌نیا، نشانه‌های یک نسل مستعد اندسته می‌شدند. استعداد، هرجند ضروری، به تنهایی تیم نمی‌سازد. مسابقه برابر کره‌شمالی نشان داد که جمعی از بازیکنان خوب، بدون آمادگی کافی، هماهنگی و برنامه روشن، لزوماً یک تیم آماده رقابت نیستند. چهار بریک را می‌توان با چند خطا، افت تمرکز یا تصمیم اشتباه در روز مسابقه توضیح داد و بخشی از این توضیح نیز ممکن است درست باشد. بازیکنان مسئول اجرای برنامه در زمین هستند و کادر فنی نیز باید درباره انتخاب‌ها، واکنش‌های تاکتیکی و مدیریت جریان بازی پاسخگو باشد. حسین عبدی پس از مسابقه گفت نتیجه برایش قابل قبول نیست و باید به کره‌شمالی بابت عملکرد خوبش تبریک گفت. این پذیرش، نقطه پایان پرسش‌ها نیست: آغاز آنهاست.

چرا تیم پس از گل زدن نتوانست بازی را آرام کند؟ چرا برتری زودهنگام به امتیازی برای مدیریت مسابقه تبدیل نشد؟ پس از دریافت گل نخست، تیم چگونه واکنش نشان داد و چه تغییراتی در زمین لازم بود؟ پرسش‌هایی از این جنس برای بررسی دقیق مسابقه ضروری هستند. اگر تحلیل در همین نقطه متوقف شود، پاسخ به ناکامی به چند اشتباه فردی و یک نتیجه نامطلوب تقلیل پیدا می‌کند؛ در حالی که تکرار شکست در تیم امید، مسأله را از محدوده یک مسابقه بیرون می‌برد.

ایران برای پنجمین دوره متوالی بازی‌های آسیایی نتوانست به مدال برسد. این واقعیت،

فارغ از تفاوت نسل‌ها و مربیان، نشان می‌دهد که ناکامی را نمی‌توان هر بار فقط به نام سرمربی همان دوره ثبت کرد. وقتی نتیجه‌ای مشابه در چرخه‌های پیاپی تکرار می‌شود، باید پرسید چه چیزی در ساختار ثابت مانده است: حتی اگر افراد، ترکیب‌ها و نیمکت‌ها عوض شده باشند.

پس از حذف، رفتن سرمربی می‌تواند ساده‌ترین پاسخ به مطالبه عمومی باشد. مسئولیت فنی مربی روشن است: او تیم را به انتخاب می‌کند، تمرین می‌دهد و در مسابقه تصمیم می‌گیرد. نمایش ایران برابر کره‌شمالی قابل دفاع نبود و نقد عملکرد عبدی، بخشی طبیعی از ارزیابی کار اوست. مسأله اصلی اما این است که آیا با تغییر سرمربی، سازوکاری که به این نتیجه منتهی شده نیز تغییر می‌کند؟

فدراسیون فوتبال انکار گاهی فراموش می‌کند که فقط برگزارکننده مسابقه نیست. انتخاب سرمربی و تشکیل کادر فنی، زمان‌بندی اردوها، هماهنگی با باشگاه‌ها، فراهم کردن مسابقات تدارکاتی و پیگیری وضعیت بازیکنان، همگی در محدوده مسئولیت مدیریتی قرار دارند. تیم ملی امید مجموعه‌ای نیست که چند هفته مانده به تورنمنت از بازیکنان پرکارنده ساخته شود و سپس از آن انتظار داشته باشیم در چند مسابقه، حاصل سال‌ها کار منسجم را نشان دهد.

مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، گفته است انتظار فدراسیون از تیم امید بیشتر بوده است. این انتظار قابل فهم است، اما در کنار آن باید پرسید فدراسیون از خودش چه انتظاری داشته و برای رسیدن به این هدف چه کرده است؟ نمی‌توان همه مسئولیت شکست را به زمین بازی منتقل کرد و هنگام موفقیت،

سهام مدیریت را برجسته دانست. اگر پروژه‌ای با نتیجه مطلوب پایان نمی‌گیرد، ارزیابی باید تمام اجزای آن را دربرگیرد: از تصمیم‌های پشت میز تا عملکرد داخل زمین.

یکی از ایرادهای همیشگی در مواجهه با تیم امید، نگاه مقطعی به آن است. هر نسل زمانی به یاد فوتبال می‌افتد که یک تورنمنت مهم نزدیک شده باشد. آن زمان از «طلسم المپیک» سخن گفته می‌شود، چند بازیکن به عنوان نسل طلایی معرفی می‌شوند و از مربی تازه انتظار می‌رود در زمانی محدود، تیمی آماده بسازد. چنین انتظاری، اگر با برنامه‌ای چندساله همراه نباشد، بیشتر شبیه آرزوست تا راهبرد.

تیم امید باید حلقه‌ای میان فوتبال پایه و تیم بزرگسالان باشد، نه گروهی که فقط برای حضور در یک رقابت کوتاه‌مدت گرد هم می‌آیند. بازیکنان در این سن به سرعت رشد می‌کنند، اما همین سرعت رشد به پیگیری مداوم نیاز دارد: شناخت نیازهای بازیکنان، بررسی وضعیت فنی و جسمانی، ایجاد الگوی بازی مشترک و فرصت کافی برای تمرین در کنار هم. اردوهای کوتاه و پراکنده، به تنهایی جایگزین این فرایند نمی‌شوند.

هماهنگی با باشگاه‌ها نیز در این میان اهمیت زیادی دارد. بازیکنان امید در باشگاه‌های مختلف، با مربیان و برنامه‌های متفاوت کار می‌کنند. اگر تیم ملی تنها در آستانه مسابقات فرصت داشته باشد آنها را کنار هم قرار دهد، بخش مهمی از زمان اردو صرف آشنایی و هماهنگی اولیه خواهد شد. این مسأله را نمی‌توان فقط با خواستن بیشتر از بازیکنان یا سرمربی حل کرد؛ سازوکاری لازم است که منافع تیم ملی و برنامه باشگاه‌ها را به یکدیگر

### کمبود پدیده‌های نوظهور و نبود برنامه بلندمدت

ایران در یک تورنمنت خاص نتیجه می‌گیرند، این موفقیت لزوماً حاصل یک سیستم پایدار نیست و اغلب به تیم‌های پایه‌ای نتیجه می‌گیرند. اما هیچ برنامه‌ای برای آینده آنها وجود ندارد و به همین دلیل استعدادها از بین می‌روند و فوتبال ایران به بازیکنان مسن تر متکی شده است. این تحلیل نشان می‌دهد حتی زمانی که تیم‌های پایه

### نیم قرن بدون طلا؛ نگاهی به تاریخچه‌ای تلخ

برش

آنچه شکست اخیر را از یک باخت معمولی فراتر می‌برد، جایگاه آن در یک روند بلندمدت است. آخرین باری که تیم امید ایران موفق به کسب مدال در بازی‌های آسیایی شد، به دوحه ۲۰۰۶ و مدال برنز زیر نظر رنه سیمونز، سرمربی برزیلی، بازمی‌گردد. از آن زمان تاکنون، در هر دوره یک نوع ناکامی تازه رقم خورده است. ۲۰۱۰ گوانگژو: یک قدم تا فینال. در این دوره، ایران با هدایت غلامحسین پیروانی یکی از مدعیان اصلی مسابقات بود. تیم پس از صدرنشینی در مرحله گروهی و پیروزی‌های پیاپی در مراحل حذفی، در نیمه‌نهایی برابر ژاپن با وجود گل زودهنگام آرش افشین، دو بریک شکست خورد و در دیدار رده‌بندی نیز چهار بر سه مقابل کره جنوبی بازنده شد. این نزدیک‌ترین فاصله ایران تا یک مدال در سال‌های اخیر بود.

۲۰۱۴ اینچئون: سقوط به قعر گروه. چهار سال بعد، اوضاع به شکل چشمگیری بدتر شد. تیم امید تحت هدایت نلو وینگادا، سرمربی پرتغالی، در همان مرحله گروهی و پس از تنها دو بازی حذف شد؛ شکست چهار بر یک برابر ویتنام و تساوی یک بر یک مقابل فیلیپین. ایران تا ایران برای نخستین بار در این دوره‌ها حتی از مرحله گروهی هم عبور نکرد.

۲۰۱۸ جاکارتا-بالمینگ: باز هم کره جنوبی سد راه. با هدایت ژلاتکو کرانچار، ایران این بار از گروه صعود کرد، اما در مرحله یک‌هشتم نهایی با نتیجه دو بر صفر مقابل کره جنوبی شکست خورد و در رتبه سیزدهم مسابقات قرار گرفت.

۲۰۲۲-۲۰۲۳ هانگژو: نزدیک‌ترین تجربه به موفقیت در دهه اخیر. این دوره که به دلیل همه‌گیری کرونا با یک سال تأخیر برگزار شد، ایران را در جایگاه بهتری نسبت به دو دوره قبل قرار داد. تیم امید پس از صعود پرقدرت از گروه و پیروزی مقابل تایلند در یک‌هشتم نهایی، به جمع هشت تیم پیاپی راه یافت اما در یک‌چهارم نهایی با یک گل مقابل هنگ‌کنگ، تیمی که از نظر رده‌بندی و سابقه در سطحی پایین‌تر از ایران قرار داشت، شکست خورد و از رسیدن به نیمه‌نهایی بازماند.

۲۰۲۶ ناگویا: حذف در مرحله گروهی، این بار با یک باخت سنگین. آخرین حلقه از این زنجیره ناکامی، همان است که در ابتدای این گزارش شرح داده شد: حذفی که حتی از نظر تفاضل گل و شکل باخت، یکی از تلخ‌ترین‌های این مسیر پنج‌دوره‌ای محسوب می‌شود.

جمع‌بندی این آمار نشان می‌دهد که تیم امید ایران در بیست سال اخیر، با وجود تغییر بی‌دری سرمربیان -از برزیلی و پرتغالی گرفته تا کروات و ایرانی- و با وجود نسل‌های متفاوتی از بازیکنان، همچنان نتوانسته الگویی پایدار از موفقیت بسازد. این یعنی مشکل، فراتر از یک نسل خاص از بازیکنان یا یک مربی مشخص است و باید در جای دیگری جست‌وجو شود.

نزدیک کند.

تیم‌های مطرح یک نسل می‌توانند انتظارات را بالا ببرند، اما شهرت یا توانایی فردی تصمیمی برای موفقیت تیمی نیست. بازیکن جوان به تجربه مسابقه‌های رفرشار، نقش روشن در تیم و امکان یادگیری از اشتباه نیاز دارد. در بازی برابر کره‌شمالی، ایران پس از گل زدن نتوانست بر جریان مسابقه مسلط شود و پس از عقب افتادن نیز راه بازگشت را پیدا نکرد. این کمبودها باید در سطح فنی سنجیده شوند، اما ریشه‌های آنها ممکن است فراتر از یک تمرین یا تصمیم درون مسابقه باشد. تیمی که در لحظه فشار نمی‌تواند شکل خود را حفظ کند، معمولاً فقط به توصیه برای جگندگی بیشتر نیاز ندارد؛ به تمرین در موقعیت‌های مشابه، شناخت دقیق نقش‌ها و تجربه مشترک نیاز دارد. همین جا تفاوت میان گردآوری بازیکنان مستعد و ساختن یک تیم آشکار می‌شود. اولی با اعلام فهرست انجام می‌شود؛ دومی زمان، ثبات و ارزیابی پیوسته می‌خواهد.

ناگامی‌های پیاپی تیم امید معمولاً الگویی قابل پیش‌بینی دارند: ناکامی، انتقال، تغییر مربی، وعده اصلاح و سپس آغاز دوره‌ای تازه، بدون پاسخ روشن به اینکه دوره قبل چرا شکست خورد. هر تغییر فنی می‌تواند بخشی از راه حل باشد، اما اگر جانشین تازه با همان امکانات محدود، همان زمان آماده‌سازی و همان نبود برنامه بلندمدت روبه‌رو شود، تنها نامی تازه به چرخه‌ای قدیمی اضافه خواهد شد. مسأله تیم امید فقط نتیجه یک مسابقه چهار بر یک نیست؛ مسأله، ساختن تیمی است که شکست بعدی را به فرصتی برای اصلاح تبدیل کند، نه آغاز دوباره همان چرخه قدیمی.

از برنامه ۱۲ ساله (۱۴-۱۴) تا وضعیت نگران‌کننده فوتبال ایران

## جلالی: در مسیر بازگشت به نقطه صفر هستیم



جلالی در پایان خاطرنشان کرد: «توسعه فوتبال با تغییرات مقطعی و تصمیم‌های پرسش‌برانگیز، توسعه رده‌های پایه و حتی ساختار فوتبال بانوان و فوتسال، همگی باید در یک نقشه راه مشخص قرار بگیرند. تجربه‌ای که ما در قالب برنامه «۱۴-۱۴» طراحی کرده بودیم، بر همین اساس شکل گرفته و هدفش این بود که فوتبال ایران یک مسیر مشخص و بلندمدت برای رشد داشته باشد.»

چند مسابقه گذشته، با تیم‌هایی مانند ازبکستان مقایسه شود، می‌توان نشانه‌های یک روند نزولی را مشاهده کرد. ما در سال ۲۰۲۳ در یکی از نخستین دیدارهای امیرقلعه‌نویی مقابل ازبکستان به پیروزی رسیدیم، اما در ادامه، نتایج و عملکرد دو تیم نشان داد که فاصله به شکل مطلوبی حفظ نشده است.»

وی تأکید کرد: «وقتی یک تیم با یک ساختار در طول چند سال، به جای پیشرفت، به‌تدریج عقب می‌رود، باید ریشه مسأله را در تصمیم‌های مقطعی و نبود یک برنامه پایدار جست‌وجو کرد. اعتقاد من این است که اگر برنامه استراتژیک موردنظر ما به‌طور کامل اجرا می‌شود، فوتبال ایران می‌توانست در همان ۲ سال استراتژی ۱۴ ساله خود به خروج از این روند نزولی را نشان دهد.»

دوره، اهداف مشخصی در نظر گرفته و تلاش کرده بودیم تمام عواملی را که می‌توانند در توسعه فوتبال نقش داشته باشند، در آن لحاظ کنیم. موضوع فقط انتخاب مربی یا نتیجه گرفتن یک تیم ملی نبود؛ ما به دنبال طراحی یک مسیر جامع برای پیشرفت فوتبال بودیم. یکی از نکات مهم این برنامه، ضمانت‌های اجرایی آن بود. یعنی برنامه‌ای تدوین کرده بودیم که صرفاً روی کاغذ باقی بماند، بلکه برای اجرای آن نیز سازوکارهایی در نظر گرفته شده بود. اگر این برنامه به شکل درست

و مستمر اجرا می‌شد، می‌توانستیم فوتبال ایران را از مسیری که امروز در آن قرار گرفته، خارج کنیم.»

مدیر فنی سابق فدراسیون با اشاره به وضعیت فعلی فوتبال ایران گفت: «متأسفانه بعد از آن دوره، مدتی درجا و زیم و نه‌تنها پیشرفت مورد انتظار اتفاق نیفتاد، بلکه امروز احساس می‌کنم در حال حرکت به سمت نقطه صفر هستیم. وقتی یک برنامه توسعه‌ای کنار گذاشته می‌شود و جای آن را تصمیم‌های کوتاه‌مدت و مقطعی می‌گیرد، طبیعی است که نتیجه آن را در عملکرد تیم‌های ملی و رده‌های پایه ببینیم.»

جلالی درباره روند نتایج تیم ملی و مقایسه آن با تیم‌هایی مانند ازبکستان نیز عنوان کرد: «اگر عملکرد فوتبال ایران در بازی‌های اخیر، به خصوص

### نقل قول

مجید جلالی، مدیر فنی سابق فدراسیون فوتبال، درباره شیوه انتخاب مربیان تیم‌های ملی در دوره مسئولیت خود گفت: «در آن مقطع تلاش کردیم فرایند انتخاب مربیان را منظم‌تر، از انتخاب اول تا دوم، در بازه‌های کوتاه و پراکنده، به تنهایی جایگزین این فرایند نمی‌شوند. هماهنگی با باشگاه‌ها نیز در این میان اهمیت زیادی دارد. بازیکنان امید در باشگاه‌های مختلف، با مربیان و برنامه‌های متفاوت کار می‌کنند. اگر تیم ملی تنها در آستانه مسابقات فرصت داشته باشد آنها را کنار هم قرار دهد، بخش مهمی از زمان اردو صرف آشنایی و هماهنگی اولیه خواهد شد. این مسأله را نمی‌توان فقط با خواستن بیشتر از بازیکنان یا سرمربی حل کرد؛ سازوکاری لازم است که منافع تیم ملی و برنامه باشگاه‌ها را به یکدیگر

تیم امید قربانی تصمیم‌های کوتاه‌مدت شده است

## میرزاییان: تیم موفق را نمی‌توان ۱۵ روزه ساخت



باشد. درباره راکتور هم با توجه به محبوبیت این تیم در تبریز و آذربایجان، انتظار می‌رود تعداد بیشتری بازیکن بومی در ترکیب حضور داشته باشند.»

او همچنین تغییرات مداوم روی نیمکت تیم‌های پایه را یکی از مشکلات جدی فوتبال ایران دانست و گفت: «ما مدام مربی عوض کرده‌ایم و اجازه نداده‌ایم یک مربی یا کادر فنی، یک نسل را از نوجوانان و جوانان تا امید همراهی کند. در کشورهای مثل ژاپن، کره جنوبی و اخیراً ازبکستان، چنین ساختاری را می‌بینیم. مربی بازیکنان را در رده‌های مختلف می‌شناسد و با همان نسل جلو می‌رود. این شناخت در طول زمان ساخته می‌شود.»

میرزاییان تأکید کرد که برنامه تیم امید باید از مدت‌ها قبل با برنامه باشگاه‌ها و سازمان لیگ هماهنگ شود: «تیمی شیب لید را بدون توجه به برنامه تیم امید برگزار کرد و بعد انتظار داشت باشگاه‌ها هر زمان که تیم ملی خواست بازیکنان‌شان را در اختیار آن قرار دهند. تقویم مسابقات باید از قبل مشخص باشد و اردوها، مسابقات تدارکاتی و زمان حضور بازیکنان هم در همان اساس برنامه‌ریزی شود.»

وی در پایان خاطرنشان کرد: «تیم امید را نمی‌توان در ۱۵ روز ساخت. مربی بعدی باید از ابتدا بداند که حداقل ۳ سال فرصت دارد تا تیمش را بسازد. باید ثبات داشته باشیم، برنامه چندساله تعریف کنیم و با تصمیم‌های فنی برمی‌گردد. در ۳ مسابقه ترکیب تیم بارها تغییر کرد و حتی بازیکنی مثل سعید سحرخیزان که معمولاً مهاجم نوک است، در پست وینگر راست به کار گرفته شد. درباره نیمکت‌نشینی اسماعیل قلی‌زاده هم می‌توان

### واکنش

امیر میرزاییان، مربی تیم فوتبال ذوب‌آهن درباره ناکامی‌های مداوم تیم فوتبال امید ایران معتقد است نمی‌توان این مشکلات را تنها به یک مربی یا یک دوره خاص نسبت داد. به گفته او، برای پیدا کردن ریشه این ناکامی‌ها باید عملکرد فوتبال پایه در ۳ بخش باشگاه‌ها، مدیریت تیم‌های ملی و مسائل فنی مربیان مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه ۵ دهه ناکامی در مسیر رسیدن به المپیک نشان می‌دهد مشکل، ریشه‌ای‌تر از یک نتیجه یا یک مسابقه است: «ما باید ببینیم در فوتبال پایه چه اتفاقی می‌افتد. بسیاری از باشگاه‌ها روی کاغذ آکادمی و تیم پایه دارند اما فعالیت اصولی، علمی و آینده‌نگر در این بخش به اندازه کافی وجود ندارد. در گذشته تیم‌هایی مانند راه‌آهن و بانک ملی نقش مهمی در پرورش بازیکنان داشتند و فوتبال آموزشگاهی هم زنجیره مهمی برای کشف استعدادها بود، اما امروز این ارتباط و مسیر انتقال بازیکن از مدرسه و رده‌های پایه به فوتبال حرفه‌ای مثل گذشته وجود ندارد.»

میرزاییان ادامه داد: «حتی باشگاه‌های بزرگ ما هم باید بیشتر روی آکادمی خودشان کار کنند. استقلال و پرسپولیس بخش زیادی از نیاز خود را از بازیکنان سایر تیم‌ها تأمین می‌کنند، در حالی که اگر قرار است فوتبال پایه توسعه پیدا کند، باید خروجی آکادمی برای تیم‌های اصلی اهمیت بیشتری داشته